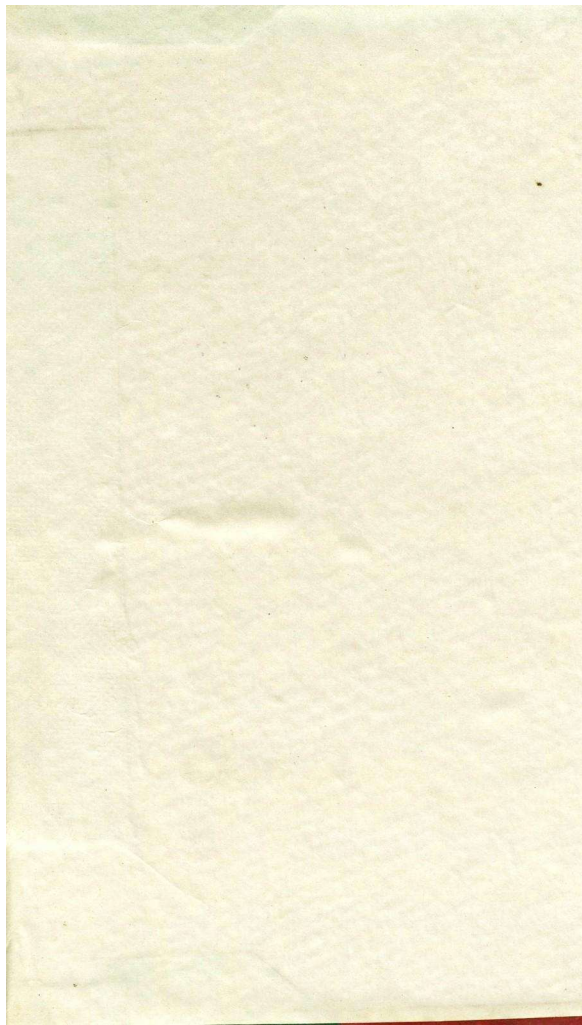


بامعدنی بود همچون زینق و مر داسنگ و اسفیداج و زنجفر و درک
 سوس و زنجار و براده آهن و زرنج و اک و زاج و سب و یا حیوانا
 بود همچون زرنج و ارنج بکری و برنج و خندع و زهره افی و پلک
 و ماهی سر در شتر اسفوم دریا نباتی بود همچون سیش و قرو و سبیل و لک
 سیمعات و ماندریون و سقونی و بلادر و خرنبره و ضربنی و بریت
 برنج و ترند زرد و سیاه و غاریقون سیاه و ایون و بجز و جورمانش
 و شکران و حما و مغربی کرده گرفته و کندش **اما معدنیات**
 زینق آنچه مصعد بود قاتل بود و از شرب آن درد شکم و امعاء و هود
 دم و ثقل لسان حادث شود **علاج** او آنست که تخم شنب و تخم زرب
 بچرخانند و با اندکی بورد و غسل بیاشامند و فی کنند مکرر **و**
 با آن سحج باشد سفوف طینی بار و عن کل و شرداغ کرده بخورند
اما زینق ناکشته قاتل نباتی لیکن درد شکم آورد **علاج** آن بچ
 و شرب شراب کهنه باشد و اگر زینق در گوش کسی ریزند موجب
 شنج و احتلاط عقل و وجع شد بد بود تدبیر آنست که یک پای با سینه
 و نمرا و امرا و نمرا





GIFT

162

399

کتابخانه فیضی

بسم الله الرحمن الرحيم

۳۹۹

39



شکر و سپاس مرخصانی را که در خلقت ایشان و قابو حکت او پنداریان
 و حمد بی عدد و شایسته تقدیس مر بادشاهی را که نعم و جهان او در حق
 ایشان بیرون از حد و بیان است کوه بر کوه قدرت او طایع
 اصول و صورت از کائنات و دلیل برافت و حرکت او احوال و دور
 و از جبهه ابدانست قادی که از کجای انفاضه قوی و ارواح در اعضا جاری
 گردانند و صحت معوض را به حساب مقرر و مقدار دشت و از فضل بی پستی
 خود بند بر حفظ و در صحت ایشان و فرمود و خلعت هر کس که هر کس هر کس
 زیبای ایشان از جنس و معاط و زکرم الطیبات همه نزول ایشان
 مرتب است و لکم الله ربکم فبما را که الله اب العالین و کف بخت و صلاه
 صلوات مر ذاتی را که منبج و حساب قانون بخت و اشارت
 او ذخیره اعراض بکائنات و ارکان همه او چون سه ضروری زنده
 غنی و بی است و چون سبوع طبع جامع منفی و حادی سفالت غنی سید

